

پروژه مربوط به تاریخ اندیشه سازمان ملل متحد و نقش ایده‌ها*

ترجمه: علی قاسمی فرد^۱، احمدرضا آذرپندار^۲

چکیده

هر سازمان بین‌المللی با توجه به تاریخچه خود، زمینه‌های شکل‌گیری متفاوتی با دیگر سازمان‌ها دارد. اهدافی که چنین سازمان‌هایی را شکل می‌دهند نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. سازمان ملل از این قاعده مستثنا نیست. دریافت فهمی از منشأ اصلی ایده شکل‌گیری این سازمان، سهم به‌سزایی در دریافت فهم درست ما از نحوه عملکرد این سازمان خواهد داشت. ایده‌ها همواره رویکردهای سازمان‌های بین‌المللی را مشخص می‌کنند و به این وسیله، این اندیشه‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل داشته باشند. در رابطه با نقش ایده‌ها و اندیشه‌ها در حوزه نهادگرایی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. این مقاله تلاش دارد که جایگاه سازمان ملل در نظام بین‌الملل و نقش و تأثیر آن را با بررسی خاستگاه فکری آن، مورد ارزیابی قرار داده و عملکرد آن را در بین نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل تبیین نماید. در نهایت اینکه وجود سازمان‌های بین‌المللی حائز اهمیت است و همچنین باید به عنوان کارگزاران مستقل و حوزه اختیارات منحصر به خود شناخته شوند. و مهمتر از همه این است که متفکران روابط بین‌الملل نیز نباید سازمان‌های بین‌المللی را کم اهمیت فرض کنند.

واژگان کلیدی: سازمان ملل متحد، نقش ایده‌ها، اندیشه‌ها.

*The United Nations Intellectual History Project and the Role of Ideas. By: Francis Baert.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل

مقدمه

گرفت. هنجارها به مفهوم بیان انتظارات جمعی برای رفتار شایسته بازیگران دارای هویت خاص است (Katzenstein, 1996: 5). در این صورت هنجارها از ایده‌ها و یا ارزش‌ها متفاوت هستند زیرا آنها ویژگی جمعی یا اجتماعی دارند و بین همه مشترک هستند، و یا بیشتر بین‌ذهنی تلقی می‌شوند تا فردی. علاوه بر این، کاتزنشتاین هنجارها را به عنوان عواملی (می‌داند) که بخودی خود در حال تکامل‌اند مانند عرف اجتماعی؛ چیزی که به عنوان استراتژی‌های سیاسی با آگاهی توسعه‌یافته است تا منافع خاصی را بوجود آورد؛ به عنوان مکانیسمی برای مدیریت مناقشه و با هدف خاصی مورد مذاکره قرار گرفته است؛ و یا به عنوان ترکیبی که اینها را به هم پیوند دهد (Ibid, 21). این پروژه در حال اتمام است و ۱۵ رساله را در برمی‌گیرد (رجوع کنید به جدول ۱). این بخش ارزیابی انتقادی از این پروژه را ارائه می‌دهد و بطور مختصر پروژه‌های مشابهی را که در طول یک دهه‌ی گذشته به انجام رسیده‌اند مورد بحث قرار می‌دهد.

سازمان ملل متحد و نشر ایده‌ها از دیدگاه روابط

بین‌الملل

ایده‌ی اولیه‌ی پروژه‌ی حاضر این نبود تا تاریخی جامع از سازمان ملل را در برگیرد بلکه تاریخ اندیشه‌ی این سازمان مدنظر بوده است. در مطالعه‌ی چگونگی نشر ایده‌ها در طول زمان و در گستره‌ی جهان، پژوهشگرانی از رشته‌های گوناگون بر جنبه‌های متعدد و مسائل پژوهشی بدون توجه

در سازمان ملل متحد و به‌ویژه دبیرخانه‌ی آن، بخش تاریخی درون سازمانی برای انتشار مستمر آثار جدید درخصوص این سازمان وجود ندارد. اما این مسئله درخصوص صندوق بین‌المللی پول (IMF) صادق نیست و فردی به نام جیمز بوتان مسئول تاریخ‌نگاری درون سازمانی در آنجاست. برای جبران این خلاء پروژه مربوط به تاریخ اندیشه سازمان ملل متحد (UNIHP)^۱ در سال ۱۹۹۹ به عنوان طرح ابتکاری مستقل و توسط موسسه‌ی مطالعات بین‌الملل رالف بانچ در دانشگاه شهری نیویورک پایه‌ریزی شد. پیشقراولان و مدیران این پروژه لوئیز امریچ، ریچارد جولی و توماس وایس هستند. این سه فرد اسم خود را در خانواده‌ی سازمان ملل و دنیای آکادمیک مطرح ساخته‌اند.

این پروژه اساساً در این چارچوب مطرح می‌شود: وجود سازمان‌های بین‌المللی حائز اهمیت است و همچنین باید به عنوان کارگزاران مستقل و حوزه اختیارات منحصر به خود شناخته شوند. و مهمتر از همه این است که متفکران روابط بین‌الملل نیز نباید سازمان‌های بین‌المللی را کم اهمیت فرض کنند. به لحاظ تئوریک این مسئله به ادبیات گسترده‌ای در روابط بین‌الملل برمی‌گردد که نشر ایده‌ها و

هنجارها را در سازمان‌های بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌دهد. ایده‌ها و هنجارها اغلب اوقات به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. در حالی که غالباً هنجارها در ادبیات موجود استفاده می‌شود اما ایده در اینجا به عنوان مفهومی که UNIHP آن را بکار می‌برد مورد استفاده قرار خواهد

¹ United Nations Intellectual History Project



برتن وودز است و می‌توان آنها را به عنوان پژوهشگران پیشقراول در حوزه مطالعه‌ی نشر اندیشه‌ها و هنجارهای درون سازمان ملل قلمداد کرد (Finnemore, 1996: 85; Barnett & Finnemore, Ibid: 32).

رویکرد UNIHP در خصوص دلیل اهمیت اندیشه‌ها

UNIHP تمایل دارد تا تأثیر سازمان ملل بر این مبحث را مورد تحلیل قرار دهد. همانگونه که در یکی از مقالات موجود در اثری تحت عنوان «سیاست اجتماعی جهانی» (Weiss & Carayannis, 2001: 74) تبیین شده و در اولین جلد از مجموعه‌هایی تحت عنوان «دارای عملکرد قابل قبول؟» و «اندیشه‌های سازمان ملل و چالش‌های جهانی» به طور خلاصه بیان شده است UNIHP به لحاظ تئوریک جزء سه ادبیات موجود در حوزه‌ی روابط بین‌الملل قلمداد می‌شود (Emmerij, 2001: 172). اولین بخش از این ادبیات در رابطه با نقش ایده‌ها و اندیشه‌ها در حوزه نهادگرایی (Goldstein & Keohane, Ibid: 32; Sikkink, Ibid: 54)، بخش دوم در خصوص ادبیات موجود درباره دانش، انجمن‌های معرفت‌شناسی و شبکه‌های فراملی (Keck and Sikkink, 1998: 107)، و بخش سوم شامل پژوهشگری هنجاری است: سازه‌نگاری (Wendt, Ibid: 71) و نظریه انتقادی. در نظریه‌ی انتقادی به اقتصاد سیاسی نئوگراشی رابرت کاکس (۱۹۹۶) رجوع می‌شود اما UNIHP این ادبیات را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهد، که بدین ترتیب این پروژه را تا حد زیادی متأثر از نهادگرایی تاریخی، جامعه‌شناختی و انتخاب عقلایی جلوه می‌دهد. رابرت کاکس بین نظریه‌ی حل مسئله و نظریه انتقادی تمایز قائل بود. وی استدلال می‌کرد که

به تمایلات فرانظری محققان، مانند انتخاب عقلایی یا سازه‌نگاری، تمرکز داشته‌اند. محققان زیادی از دهه ۱۹۹۰ به اهمیت اندیشه‌ها و ایده‌ها در روابط بین‌الملل علاقه نشان داده‌اند (Goldstein & Keohane, 1993: 521; Katzenstein, Ibid: 172; Sikkink, 1991: 23; Wendt, 1999: 41). کانون توجه بخش عمده‌ای از این ادبیات بر نقش سازمان‌های بین‌المللی و چگونگی کارکردشان به عنوان وسیله‌ای برای نشر ایده‌ها بوده است (Checkel, 1999; Finnemore, 1996). این محققان تمایل زیادی به بررسی «جعبه سیاه» برخی از سازمان‌های بین‌المللی منتخب نشان داده‌اند. بسیاری از این مطالعات بر سازمان‌های منطقه‌ای، به ویژه اتحادیه اروپایی (EU) که بسیار مورد توجه بوده است، تمرکز داشته‌اند. از طرف دیگر نویسندگان همچنین سازمان‌های بین‌المللی را بخاطر صلاحیت و استحقاقشان به عنوان بازیگر، و نه صرفاً به عنوان عامل‌های مدیران‌شان، تلقی می‌کنند. استقلال و اقتدار از ویژگی‌های مربوط به سازمان‌های بین‌المللی است و حتی همواره به نحوی که بنیان‌گذارانشان در نظر داشته‌اند پیشرفت رو به جلویی نداشته است. این عوامل همواره طبق روش‌های کارآمدتر و مطلوب‌تر نیز عمل نمی‌کنند (Barnett & Finnemore, 1999: 127). در این جهت، همانگونه که پارک اشاره می‌کند، شیوه‌های گوناگونی که در آنها سازمان‌های بین‌المللی اختیاراتی را پیدا می‌کنند نیازمند تحلیل این مسئله است که سازمان‌های بین‌المللی چگونه و به چه دلیلی برنامه‌های کاریشان را به شیوه‌های خاصی عملیاتی می‌کنند و هنجارها را نشر می‌دهند. پژوهشگرانی نظیر میسایل بارت و مارتا فینمور توجه‌شان معطوف به خانواده‌ی سازمان ملل و نهادهای

«نظریه‌ی انتقادی، برخلاف نظریه‌ی حل مسئله، نهادها و روابط اجتماعی و قدرت را بی‌تأثیر نمی‌داند بلکه آنها را در ارتباط خود با منشا و منابع و چگونگی فرآیند تغییرشان و اینکه آیا در این فرآیند قرار می‌گیرند یا نه، مورد بحث قرار می‌دهد». UNIHP اساساً کار سازمان ملل را زیر سوال نمی‌برد. پروژه‌ای که اقتصاد سیاسی نئوگراشی را به عنوان مشوق اصلی (اقتصادی) قلمداد می‌کرد پروژه‌ی تحقیقاتی نروژی است که بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ و توسط دسموند مک نیل و مورتون بواس در حال انجام بود. پروژه‌ی تحقیقاتی CANDID (ابتکار، پذیرش، نفی و تحریف ایده‌ها در توسعه) روابط بین ایده‌ها و توسعه‌ی چند جانبه را با توجه به گستردگی و چرخه‌ی حیات این پنج مفهوم توسعه مورد مطالعه قرار داده است: بخش غیررسمی، توسعه‌ی پایدار، حاکمیت، سرمایه اجتماعی و دانش محلی، در هشت سازمان توسعه چند جانبه. در مقدمه مهمترین کتاب مربوط به CANDID^۱ با عنوان «نهادهای جهانی و توسعه: ساختن جهان (۲۰۰۴)» به ادبیات نظری که UNIHP از آن الهام گرفته است ارجاع می‌شود. این کتاب در مناظره مربوط به واقعگرایی-سازهانگاری در روابط بین-الملل قرار می‌گیرد. پروژه حاضر الهام گرفته از سازهانگاری است اما بیشتر به فرضیات واقعگرایی پرداخته و آنها را مدنظر قرار داده است که نتایج بدست آمده به طرز صحیحی نمی‌تواند نسبت به توزیع قدرت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد (Boas and McNeill, 2004: 5). در رویکرد نئوگراشی کاکس بین این دو ادبیات، اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم در فهم هژمونی به عنوان ساختار سلطه-گری، نوعی ارتباط آشکار وجود دارد.

بر طبق UNIHP چهار ایده بنیان تأسیس سازمان ملل به شمار می‌رود و در بخش‌های مختلف منشور این سازمان تفسیری از آنها یافت می‌شود. این چهار ایده عبارتند از: صلح، استقلال، توسعه و حقوق بشر (Emmerij, Ibid: 16). بدین ترتیب برخی نویسندگان استدلال می‌کنند که سازمان ملل دقیقاً مانند افروdit (الهه‌ی عشق و زیبایی یونان باستان) از خاکسترهای بجای مانده از جنگ دوم جهانی سر برآورد و این امر مانند آرمان‌گرایی مدرن و دست نخورده‌ای است که نمونه‌های آن را در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا، نیودیل (برنامه بزرگ اجتماعی و اقتصادی فرانکلین روزولت بعد از رکود بزرگ در ایالات متحده آمریکا) و اصول چهارده‌گانه ویلسون می‌توان یافت (Ibid: 16-17). این قرائت بیشتر در راستای ایده‌های غالبی است که بعد از تأسیس سازمان ملل متحد به عنوان ابزار استثناگرایی آمریکایی در دنیا مطرح شد. همچنین به عنوان ابزاری تصور می‌شود که اخیراً مورد انتقاد مارک مازور قرار گرفته است؛ وی معتقد است که تأسیس سازمان ملل متحد از آخرین تلاش‌های امپریالیسم بریتانیایی برای حفظ قدرت خود به شمار می‌رود. این امر مایه تأسف است که UNIHP تا حد زیادی به علت پیدایش سازمان ملل متحد نپرداخته و این مسئله را مورد توجه قرار نداده است که ایجاد سازمان ملل متحد در بستر ایدئولوژی‌های نژادی و ملی‌گرایی و همچنین در

¹ Creation, Adoption, Negation and Distortion of Ideas in Development



صورت گرفته است می‌توان در اثر امریت یافت. حضور سازمان ملل در گزارشات، تاریخ‌ها، نقش و عملکرد یک چیز دیگر باعث تقویت این سازمان در جهت مقابله با چالش‌های آینده و آماده‌سازی آن برای ایفای نقشی می‌شود که در قرن بیست و یکم کمتر تحت تسلط غربی‌ها خواهد بود.

UNIHP از باوری راسخ نشأت می‌گیرد که پس از ۵۰ سال شرایط مناسبی فراهم آورده است تا ایده‌های اجتماعی و اقتصادی که خانواده‌ی سازمان ملل متحد آنها را از سال ۱۹۴۵ طراحی کرده و توسعه داده بودند شناسایی و دنبال شوند (Emmerij, Ibid: 1). زمانی که پروژه کلید خورد مدیران آن خواستار جبران تأکیدات بیش از حد بر تحلیل‌های نهادی و امنیتی سازمان ملل متحد بودند (Weiss & Carayannis, 2001: 26). به هر حال با گذشت ده سال آنها مجبور به پذیرش این مسئله شدند که امنیت را نمی‌توان نادیده انگاشت و لازم است که به تدریج به تحلیل موردنظر بازگردانده شود (Jolly, Ibid: 1). اگر نگاهی به دامنه‌ی این پروژه داشته باشیم مشاهده می‌کنیم که تأکید فراوانی بر تفکر توسعه‌ی صورت گرفته است (به جدول ۱ مراجعه کنید). مایه تأسف است که این پروژه تفکری مانند استقلال را که اساس فرآیند انعکاس «فریاد مظلومان» در مباحث مربوط به سازمان ملل متحد و حکومت جهانی است تا حد بسیار زیادی نادیده انگاشته است. رویکرد UNIHP گهگاهی سردرگم کننده است. در کتاب اول، نویسندگان عنوان می‌کنند که این پروژه به شرايطی توجه می‌کند که مبتنی بر آنها سازمان ملل متحد دارای عملکرد قابل قبولی بوده است. البته اجرای این امر بنا به دلایلی و تا حدودی سخت بنظر می‌رسد زیرا این پروژه سازمان ملل

مخالفت با آنها (بوده است) (Amrith & Sluga, 2008: 259). اثر اخیر تاریخی پرده از نقاب تفکر آرمانگرایی ویلسونی پایه‌گذاران سازمان ملل برمی‌دارد (Anderson, 1944; Sherwood, 1996: 71). پژوهشگران پساستعماری استدلال می‌کنند که تلاش برای تولید تاریخ زمان حال، تفسیر جدیدی که فراتر از قرن بیستم و به دور از هرگونه مسائل نامربوطی چه درخصوص جنگ سرد و چه درخصوص «جهان سوم‌گرایی» باشد، لازم است (Gopal & Lazarus, 2006: 9). همگام با اثر ادوارد سعید، تاریخ‌دانان سازمان ملل متحد نیز باید خوانش چندنوایی از این سازمان را مدنظر قرار دهند. مفهوم چندنوایی که در اثر فرهنگ و امپریالیسم (۱۹۹۳) وی مورد استفاده قرار گرفته به منظور مقابله با منتقدانش بوده است. چنین خوانشی نشان از «آگاهی کامل از تاریخ استعمارگران و سایر تاریخ‌هایی است که گفتمان غالب علیه آنها اقدام می‌کنند (و یا با آنها) همراه می‌شوند» (Said, 1993: 51). به نظر سعید، تاریخ باید مانند قطعه‌ی موسیقی بلندی با ترکیبی از نت‌ها و صداها، و با زمینه موسیقایی باشد. بدین ترتیب، بحث چندنوایی درخصوص روابط بین‌الملل نوع متفاوتی از روابط بین‌الملل را به منصف ظهور می‌گذارد که در آن ممکن است تجربیات و تاریخ‌های خواص خوانشی مخالف با تاریخ‌های محرومان و اقمار داشته باشد (Chowdhry, 2007: 216). گروهی مبتنی بر خوانش چندنوایی از حقوق بین‌الملل عنوان می‌کند که حقوق بین‌الملل «به عنوان ابزاری برای هم‌مونی» پیشنهاد شد نه «به عنوان بنیان اخلاقی نظم جهانی». نمونه‌هایی از کارهایی را که اخیراً در جهت انعکاس «فریاد مظلومان» در مباحث سازمان ملل متحد

متحد را به عنوان علت و هم به عنوان معلول نشر ایده‌ها و اندیشه‌ها تصور می‌کند. حال در اینجا منظور از قابل قبول چیست؟ آیا سازمان ملل متحد به عنوان مبتکری خلاق، بستر ساز، توسعه‌دهنده، قانونی‌کننده و یا ابزاری برای تحول اندیشه محسوب می‌گردد؟ اگر ایده و یا تفکری در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد در حالی که بیشتر در سطح ملی یا منطقه‌ای جریان داشته باشد آیا در این صورت نیز (عملکرد) سازمان ملل متحد قابل قبول است؟ اینکه (عملکرد) سازمان ملل قابل قبول است منظور چیست؟ آیا کل سیستم سازمان ملل متحد مدنظر است و یا فقط برخی از واحدهای خاص آن؟

جدول (۱) فهرست ایده‌ها و تفکراتی که در مجموعه کتاب‌های UNIHIP وجود داشته است

| نویسندگان | ایده‌ها و تفکرات | "سازمانهای" اصلی مرتبط با سازمان ملل متحد |
|----------------------------|------------------------------|--|
| امریچ و سایرین ۲۰۰۱ | اولین کتاب از این مجموعه‌ها | ILO, UNCTAD, UNDP, UNICEF |
| برتولت ۲۰۰۴ | کمیسیون‌های اقتصادی منطقه‌ای | ECA, ECAFE/ESCAP, ECE, ECLA/C, ECWA/ESCWA |
| وارد ۲۰۰۴ | آمار | ILO, UNDP, UNSO, WHO |
| جولی و سایرین. ۲۰۰۴ | توسعه | ECLA/C, FAO, ILO, UNCTAD, UNDP, UNESCO, UNICEF, UNIDO, WFP, WHO |
| توی و توی ۲۰۰۴ | اقتصاد سیاسی | ECLA/C, UNCTAD |
| وایس و سایرین ۲۰۰۵ | مصاحبه‌های تاریخ شفاهی | ILO, UNCTAD, UNDP, UNEP, UNESCO, UNICEF |
| جین ۲۰۰۵ | جنسیت | CEDAW, INSTRAW, UNIFEM |
| مک فارلین و فونگ خونگ ۲۰۰۷ | امنیت انسانی | UNDP, UNHCR |
| رامچاران ۲۰۰۷ | دیپلماسی بازدارنده | دبیرخانه سازمان ملل، دبیر کل سازمان ملل |
| نورماند و زیدی ۲۰۰۸ | حقوق بشر | کمیسیون/شورای حقوق بشر سازمان ملل OHCHR, UNHCR |
| ثقفی نژاد ۲۰۰۸ | واحدهای حقوقی فراملی | ILO, UNCTAD, UNCTC |
| استوک ۲۰۰۹ | کمک توسعه‌ای، کمک غذایی | EPTA, FAO, ILO, SUNFED, UNCTAD, UNDP, UNHCR, UNICEF, UNIDO, WFP, WHO |
| وایس و تاکور ۲۰۱۰ | حکومت جهانی | IPCC, OHCHR, UNDP, UNEP, UNFCCC, UNICEF, WHO |
| شریچور ۲۰۱۰ | توسعه پایدار | ICJ, IPCC, UNEP, UNFCCC |
| جولی و سایرین ۲۰۰۹ | نسخه نهایی | ECA, ECLA/C, FAO, ILO, IPCC, OHCHR, UNCTAD, UNDP, UNEP, UNESCO, UNICEF, WFP, WHO |



اعلامیه‌های سازمان ملل متحد: تلاش برای توسعه و عدالت اجتماعی موجود است.

برای مثال مدیران پروژه توانستند (در آن زمان) با همه‌ی دبیرکل‌های سازمان ملل که در قید حیات بودند و همچنین دبیرکل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، مصاحبه کنند. در محافل آکادمیک دبیرکل سازمان ملل بسیار مورد توجه است (Chesterman, Ibid: 198). مطالعاتی که درخصوص نقش دیوان‌سالارها انجام شده بسیار معدود بوده است (Barnett & Finnemore, Ibid: 79; Kille, 2003: 65). بویژه در مقایسه با ادبیات مطالعات اتحادیه اروپایی درخصوص تأثیرات اجتماعی شدن مقامات ملی و اروپایی. افراد مهم نقش اساسی را در گسترش اندیشه و تفکرات داشته‌اند اما در هیچ کجایی این پروژه بطور روشن چگونگی تفسیر این مصاحبه‌ها را با توجه به مسئله‌های پروژه مشخص نمی‌کند. هیچ معیاری برای انتخاب مصاحبه شونده‌گان گذاشته نمی‌شود و حتی مشخص هم نمی‌شود که آیا افراد حاضر به مصاحبه می‌شوند یا خیر. اما این رویکرد سایر پژوهشگران را هم به این وا می‌دارد تا در صورت انجام پژوهش در آینده درخصوص طرح تحقیقاتی خودشان تدبیر لازم را داشته باشند. پژوهش منطبق با اصول روش‌شناختی برای مقابله با تحلیل‌های صرفاً توصیفی در مطالعه‌ی سازمان ملل امری لازم و ضروری است. چیزی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که باید از تکنیک‌های کمی نظیر تحلیل شبکه‌ی اجتماعی، یا تکنیک‌های کیفی نظیر ردیابی فرآیند، تحلیل گفتمان، گروه‌های تمرکز، تحلیل تطبیقی کیفی و مجموعه‌های فازی به نحو احسن بهره برد.

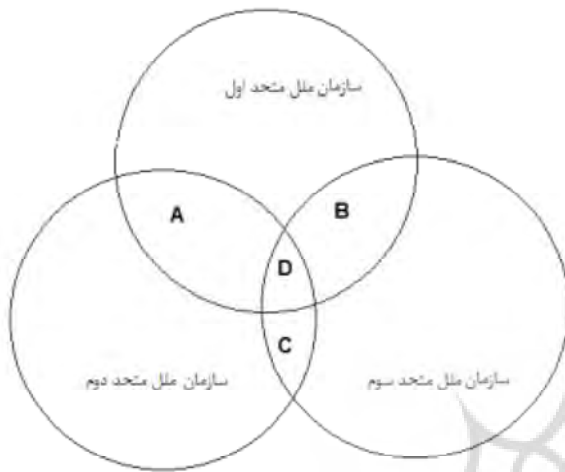
نگاهی به نتایج UNIHP: ایده‌ها و تفکرات سازمان ملل با نگاهی به گذشته. رویکردی که UNIHP اتخاذ کرده است به طرق مختلف و مبتنی بر دلایلی می‌تواند مورد نقد واقع شود و این امر همان کاری است که حتی اولین حامیان این پروژه، نظیر هلگ ویم (۲۰۰۵)، نیز این کار را انجام داده‌اند. برخی از انتخاب‌هایی که درخصوص این رویکرد و تمرکز نظری صورت گرفته در بالا بدان پرداخته شده است.

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی

ممکن است برخی از شروط روش‌شناختی نیز ذکر گردد. UNIHP (از لحاظ نظری) ترکیبی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، پژوهش‌های بایگانی و تحلیل‌های تاریخی و سیاسی است (Weiss & Carayannis, Ibid: 28). استدلالی که مدیران دارند این است که افراد مهم در فرآیند ترویج ایده‌ها و تفکرات در سازمان ملل تفاوتی بنیادین دارند. بسیاری از انتشارات UNIHP نشان می‌دهد که افراد گوناگونی به اندازه‌ی توانایی‌شان به عنوان مستخدم دولتی، مشاور و یا کارشناس مستقل ایفای نقش کرده‌اند: موریس استرانگ، الینور روزولت یا رالف بانچ و همچنین اقتصاددانان مشهوری نظیر ژان تینبرگن، گونر میردال، ریچارد استون و هانس سینگر. با بسیاری از این نخبگان در این پروژه مصاحبه شده است. بطور کلی ۷۳ مصاحبه با مدت زمان بیش از ۳۲۵ ساعت انجام شده است. تمامی مصاحبه‌ها بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ و در نسخه‌ای بسیار مرتب منتشر شده است که در انتشارات

سازمان ملل متحد سوم

شکل (۱) تعامل بین این سه سازمان ملل متحد



A تعامل بین مستخدمان دولتی ملی و بین‌المللی؛

B تعامل بین دولت و جامعه‌ی مدنی؛

C تعامل بین دبیرخانه و جامعه‌ی مدنی؛

D فضای شبکه‌ای که در آن افراد و سازمان‌های خصوصی با سازمان ملل متحد اول و دوم به تعامل می‌پردازند تا بر تفکرات، سیاست‌ها، اولویت‌ها یا اقدامات سازمان ملل تأثیر گذارند و منجر به پیشرفت آنها گردند.

در رابطه با توسعه ایده‌ها و تفکرات، روابط گوناگونی را بین این سه سازمان ملل می‌توان مشاهده کرد. رابطه A، بین سازمان ملل متحد اول و دوم (تعاملات بین دولت‌ها و دبیرخانه‌ها) به عنوان سنتی‌ترین رابطه تصور می‌شود بدین دلیل که دولت‌های عضو تصمیم می‌گیرند در راستای منافع ملی خودشان به عضویت در این سازمان دربیایند (Abbott & Snidal, 1998:32). جایی که این دایره‌های جدا از هم نقطه‌ی اشتراکی با هم پیدا کرده و با هم به تعامل می‌پردازند مربوط به جلسات شورای امنیت یا مجمع عمومی

بسیاری از تحلیلگران سازمان ملل از تمایز سنتی که اینیس کلود بین سازمان ملل متحد به عنوان صحنه‌ی بین دولتی کشورهای عضو (مجموعه‌ای از دولت‌ها) و سازمان ملل متحد به عنوان یک دبیرخانه (بوروکراسی که دبیرکل این سازمان آن را رهبری می‌کند) قائل بود استفاده می‌کنند. با این حال UNHSP با افزودن یک «سازمان ملل متحد سوم» به این تحلیل از این امر فراتر می‌رود که شامل بازیگران دولتی خاص مانند نهادهای غیردولتی (NGO) ها، مراکز آکادمیک، مشاوران، کارشناسان، کمیسیون‌های مستقل و سایر گروه‌هایی که همواره با سازمان ملل متحد «اول» و «دوم» سروکار دارند. نقش سازمان ملل متحد سوم شامل پشتیبانی، پژوهش، تحلیل سیاست و ایده-پردازی (Weiss, Ibid: 123) و بازتابی از پیچیدگی فزاینده ساختارهای حکومت جهانی و نیز متضمن مفهوم «چندجانبه‌گرایی‌های چندگانه» است (Ibid, 124). کار و رسانه‌های همگانی جزئی از سازمان ملل متحد سوم به شمار نمی‌روند. تا حدودی چیز جدیدی درخصوص این مفهوم وجود ندارد، شبکه‌های سیاست عمومی و گروه‌هایی از کارشناسان نیز قبلاً وجود داشته‌اند. سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سال ۱۹۱۹ این را به ساختار سه‌گانه خود افزود. درک تعامل بین این سه سازمان ملل متحد در تحلیل فرآیندهای سیاست جهانی بسیار حائز اهمیت است.



کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آمریکای لاتین و حوزه‌ی دریای کارائیب (ECLA)^۱ و کنفرانس سازمان ملل در خصوص تجارت و توسعه (UNCTAD) به قلمرو سیاست خارج از سازمان ملل نفوذ پیدا کرده است. تأثیر نشست بین دولتی در مورد تغییرات آب و هوا (IPCC)^۲ بر مناظره‌ی مربوط به تغییرات آب و هوا نمونه‌ای از نقش‌هایی است که بسیاری از افراد مستقل (اعم از دانشگاهیان، مشاوران و کارشناسان) در فرآیند برنامه‌ریزی برای انجام اقدامات بیشتر توسط دولت‌ها و دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد ایفا کرده‌اند. انگاره‌ی این سه سازمان ملل مفهومی است که UNIHP آن را توسعه داده است؛ این انگاره که حوزه‌های مختلفی از منافع دارای نقاط مشترکی با هم هستند تا ایده‌های خاصی را بوجود آورند، آنها را توسعه داده و بپذیرند و یا آنها را تحریف کنند ممکن است از ارتباط نزدیک نظری با مفاهیمی نظیر جامعه‌ی مدنی جهانی نهایت استفاده را ببرند.

کتاب‌هایی که مدیران به رشته تحریر درآورده‌اند

باید بین کتاب‌هایی که مدیران UNIHP نوشته‌اند و سایر کتاب‌هایی که حاصل خود پروژه است تمایز قائل شد. امریچ، جولی و وایس اولین کتاب این مجموعه (۲۰۰۱) را نگارش کرده‌اند که فضا را برای ادامه پروژه آماده‌تر می‌کند. این کتاب به زبان‌های عربی، فرانسوی و آلمانی ترجمه شده است. سایر انتشارات مهمی که مدیران داشته‌اند (در بالا نیز اشاره شده است) برای فهم منطق موجود ورای UNIHP

است که در آنجا نمایندگان دائم دولت‌های عضو با همدیگر و با اعضای دبیرخانه سازمان ملل متحد به مذاکره و گفتگو می‌پردازند. رابطه B، بین سازمان ملل متحد اول و سوم (تعاملات بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی)، نیز از بهترین نمونه مطالعات انجام شده در خصوص این روابط به شمار می‌رود به خصوص اگر منظور ما شبکه‌های پشتیبانی فراملی باشد (Keck & Sikkink, Ibid: 147). جایی که دولت‌ها و بازیگران غیردولتی ارتباطی با هم پیدا می‌کنند مربوط به کنفرانس‌های جهانی سازمان ملل متحد است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ برگزار می‌شد: برای مثال، نشستی درباره کره زمین در سال ۱۹۹۲، که در آن ۲۴۰۰ نماینده از ۶۵۰ سازمان یا نهاد غیردولتی در برنامه‌های مباحثه‌ای NGO شرکت داشتند. رابطه C، بین سازمان ملل دوم و سوم، و رابطه D، بین این سه سازمان ملل، بسیار کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و حوزه بسیار مناسبی را برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌کند.

نمونه‌هایی از ایده‌ها و تفکراتی که دولت‌ها و نمایندگان متبوعشان در سازمان ملل متحد ارائه داده‌اند و UNIHP آنها را مطرح ساخته است مربوط به درخواست وزیر امور خارجه کانادا، لستر بی. پرسن، در سال ۱۹۵۶ برای حفظ صلح و همچنین تصمیم دولت سوئد برای برگزاری کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط زیست انسانی در سال ۱۹۷۲ در استکهلم است. نمونه‌هایی از تفکرات و ایده‌هایی که سازمان ملل دوم مطرح کرده مربوط به نظر پربیش سینگر در مورد کالاهای اولیه‌ای است که از

¹Economic Commission for Latin America and the Carriibbean

²Intergovernmental Panel on Climate Change

جهانی نظیر حفاظت محیط زیستی امر دشواری است. بسیاری از شکاف‌ها در سیاست‌های کنونی جهانی ممکن است اینطور بنظر برسند که امروزه بسیاری از چالش‌های سخت جهانی‌اند و بنابراین به راهکارهای موثری در سطح جهانی نیازمند هستند در صورتی که قدرت سیاسی برای حل آنها در اختیار دولت‌هاست (شکاف سیاسی). اگر باید سیاست از برخی خصوصیت‌ها نظیر خاص بودن، ضمنی بودن، قضاوتی و غیرعادی بودن رها شود بنابراین باید در نهادی باشد که دارای منابع کافی و استقلال است، که در اغلب اوقات اینگونه نیست (شکاف سازمانی). مورد آخر مربوط به شکاف انطباق است. اقدامات انطباقی برای تشخیص انحراف از تفاهم‌ها و تعهدات و همچنین برای پاداش به همکاری امری لازم و ضروری است.

جدول ۲) نه ایده UNIHP

| | |
|---|-------------------------------------|
| از آرزو تا اجرا | حقوق بشر برای همه |
| از ریشه‌کن کردن تبعیض تا ارتقای حقوق زنان و توانمندسازی | جنسیت |
| از سیاست‌های ملی و محلی تا اهداف توسعه هزاره | اهداف توسعه |
| از کمک‌ها و منافع متقابل تا همبستگی جهانی | روابط اقتصادی بین‌المللی عادلانه |
| از برنامه‌ریزی در سطح ملی تا مدیریت بازار | استراتژی‌های توسعه |
| از جنبه‌های بخشی تا پیکارچه | توسعه اجتماعی |
| از محیط زیست و توسعه تا حفظ زمین | پایداری محیطی |
| از حمایت از افراد تا جلوگیری از درگیری دولت | صلح و امنیت |
| از اقدامات جدا تا یک رویکرد پیکارچه | توسعه انسانی |

منبع: جولی و سایرین. ۲۰۰۹

بسیار حائز اهمیت است. مقاله‌ای که در «سیاست اجتماعی جهانی» (Weiss & Carayannis, Ibid: 27) نوشته شده است چارچوب نظری را مشخص می‌کند. انتشارات «اعلامیه‌های سازمان ملل متحد: تلاش برای توسعه و عدالت اجتماعی»، همراه با تحلیل مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و مقاله در حکومت جهانی با جزئیات بیشتری به مفهوم سازمان ملل سوم می‌پردازد. همکاری‌های سازمان ملل در زمینه‌ی تفکر و عمل توسعه توسط جولی، امریج و دو تن از همکارانشان به رشته تحریر درآمد (و در بخش بعدی بدان پرداخته می‌شود).

دومین کتابی که این گروه با همکاری هم و به صورت جداگانه کار کرده‌اند حکومت جهانی و سازمان ملل متحد: کار نیمه تمام است که زیر نظر وایس و رامش تاکور و با مدیریت دانشکده امور بین‌الملل بالسیلی نوشته شد. این کتاب بجای پرداختن دقیق به نقاط مشترک مفهوم حکومت جهانی (و حتی برخی مفاهیم دیگر) با وظیفه سازمان ملل متحد، اساساً مشکلات کنونی را در زمینه‌های امنیت بین‌الملل، توسعه و حقوق بشر مشخص می‌کند. وایس و تاکور پنج شکاف را بین ماهیت بسیاری از مشکلات کنونی جهانی و ماهیت ضعیف راهکارهای موجود می‌بینند. شکاف اول مربوط به دانش است. در اغلب موارد بین یک مشکل و راهکار آن اجماعی وجود ندارد و اگر هم باشد بسیار پایین است. دو مثال مناسب برای این مدعا گرم شدن زمین و تسلیحات هسته‌ای است که هیچکدام از آنها در زمان نگارش منشور سازمان ملل متحد شناخته شده نبودند. مورد دوم مربوط به شکاف هنجاری است. رسیدن به توافق کلی در خصوص هنجارهای قابل قبول در سطح



عمل اقتصاددانان کلاسیک نظیر آدام اسمیت، تا اثر جان مینارد کینز قرار داده‌اند. بخش دوم کتاب رویکرد تاریخی را دنبال می‌کند تا از این طریق بتواند اهداف توسعه سازمان ملل را طراحی کند. یکی از فصل‌های پایانی کتاب عملکرد بیش از ۵۰ هدف توسعه را بیان کرده است. فقط اهداف و مقاصدی که در شرایط محدود و کمی تعیین می‌شوند در این مقوله می‌گنجد. این اهداف حوزه وسیعی را در برمی‌گیرد: تسریع در رشد اقتصادی، بهبود وضعیت رفاهی مردم، حرکت به سمت توسعه پایدار و برابر و حمایت از اینگونه تلاش‌ها با افزایش کمک.

سازمان ملل متحد و اقتصاد سیاسی جهانی: تجارت، سرمایه و توسعه توسط جان توی، اقتصاددان سیاسی و مدیر پیشین UNCTAD، و ریچارد توی، مدرس تاریخ در دانشگاه کمبریج، نوشته شده که از اولین روزهای تأسیس سازمان ملل متحد به مباحثی در حوزه اقتصاد سیاسی در چارچوب شمال-جنوب می‌پردازد؛ از قبیل نقش بسیار حائز اهمیت ECLAC و UNCTAD و همچنین رقابت فکری بین سازمان ملل متحد و نهادهای برتون وودز. هفت اقتصاددان که همکاری‌هایی با سازمان ملل متحد داشته‌اند دیدگاه فکری اصلی را در خصوص مسائل اقتصادی شمال-جنوب بوجود آورده‌اند. این هفت اقتصاددان میشال مالکی، نیکلاس کالدور، سیدنی بل، هانس سینگر، راثول پربیش، سلسو فورتادو و ژوان واسکز نویولا هستند.

سازمان ملل متحد و توسعه: از کمک تا همکاری توسط اولاف استوک، پژوهشگر ارشد موسسه روزی امور بین‌الملل به رشته تحریر درآمده است. این نسخه با ۷۲۱ صفحه، بزرگترین نسخه این مجموعه‌ها به شمار می‌رود. بخش

ایده‌های سازمان ملل متحد که دنیا را دگرگون ساخت، کامل‌ترین مجموعه از این سری مجموعه‌هاست و تحولاتی را که در طول انجام پروژه صورت می‌گرفت نشان می‌دهد. مفهوم سازمان ملل سوم برای تحلیل امری حیاتی محسوب می‌شد. این مسئله که سازمان ملل عملکرد مطلوبی داشته یا نه، اهمیت خود را از دست داده است و در عوض این مجموعه نه ایده مهمی را که در زمان وجود سازمان ملل تحول یافته‌اند مورد ارزیابی قرار می‌دهد (رجوع شود به جدول ۲). این نه ایده نشانگر ایده‌هایی است که در مجموعه‌های مختلف UNIHP وجود داشته‌اند گرچه برخی از این ایده‌ها نسبت به دیگری بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. برخی از این فصول آخر به تحولاتی می‌پردازند که باید برای تقویت سازمان ملل مورد توجه قرار گیرند اما متأسفانه این بخش از پروژه (اگرچه کمک‌کنندگان به این پروژه درخواست کرده‌اند) نسبتاً ضعیف است و تا حدودی پیشنهادات گذشته را تکرار می‌کند (Childers & Urquhart, 1994: 114).

همکاری در خصوص تفکر توسعه

بسیاری از انتشارات در این مجموعه‌ها هم‌راستا با منطق UNIHP به ایده‌های اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند. همکاری‌های سازمان ملل در زمینه‌ی تفکر و عمل توسعه توسط جولی، امریج، دارام قای و فردریک لاپیر نوشته شده است. این نسخه اولین مجموعه از سری مجموعه‌های UNIHP است که مباحثی را در خصوص ایده‌های توسعه مطرح کرده است؛ ایده‌هایی که با سازمان ملل متحد دارای نقاط مشترکی هستند. نویسندگان تفکر توسعه را از حوزه

اقتصادی اروپا، ایوس برتلوت؛ دبیر کمیسیون اقتصادی آفریقا، آدایو آددجی و ECLAC، گرت روزنتال. پایه-گذاران سازمان ملل در آن زمان تصور نمی‌کردند که نهاد-های منطقه‌ای نیز تأسیس شوند. از پنج کمیسیون فقط یک کمیسیون (ECA) به عنوان تشکیلات کاملاً منطقه‌ای محسوب می‌شود که هر ۵۳ عضو آن منحصراً منطقه‌ای (آفریقایی) هستند و همگی آنها یک منطقه (آفریقا) را تشکیل می‌دهند. چهار کمیسیون دیگر ترکیبی سیاسی دارند. کتاب بر نقش‌های رهبرگونه گونر میردال (ECE)، پی.اس. لوکاناتان در کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور و رائل پریش در ECLAC تأکید می‌کند.

ارزیابی جهان: ایده‌ها و آمارهای سازمان ملل متحد توسط میسایل وارد، اقتصاددان درگذشته که در بانک جهانی نیز فعالیت می‌کرد، به رشته‌ی تحریر درآمده است و اقتصاد سیاسی شاخص‌های آماری سازمان ملل متحد را بررسی می‌کند. این کتاب نشان می‌دهد که سه دوره وسیع در شاخص آماری سازمان ملل متحد وجود داشته است: دوره اصلی و هنجاری؛ دوره بلندمدت نوآوری و فعالیت سازمانی برون مرزی؛ و دوره اخیر که با پشتیبانی از سیستم‌های داده‌ای و تقویت روش‌شناختی شناخته می‌شود. این کتاب استدلال می‌کند که تا حد زیادی سازمان ملل متحد منبع اصلی تفکر آماری محسوب نمی‌شد بلکه بیشتر به عنوان عاملی نوآور و مبتکری کارآمد شناخته می‌شد. این سازمان در مناطق مختلفی از دنیا نقش قابل توجهی را در زمینه

ابتدایی این مجموعه شروع کمک‌های توسعه بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد که از طریق سیستم سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد. این ایده از کجا نشأت گرفته و چگونه نهادینه شده است؟ اولین تلاش‌های نظام‌مند سیستم سازمان ملل متحد برای فراهم آوردن کمک‌های توسعه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد: ایجاد برنامه توسعه‌یافته کمک‌های فنی (EPTA)^۱. با این حال، سازمان ملل متحد در مقابل بانک جهانی که باعث بوجود آمدن ارتباطات جدیدی شده بود قافله را باخت: انجمن توسعه‌ی بین‌الملل (IDA)^۲. دهه‌های مختلفی که سازمان ملل متحد در آن برهه‌ها توسعه‌هایی داشته است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که شامل تحلیل‌های بسیار دقیقی از UNDP و برنامه جهانی غذا (WFP)^۳ است.

در کنار این انتشارات، برخی نیز به موضوعات داغ روز در حوزه تفکر توسعه می‌پردازند. پیوستگی و تنوع در ایده‌های توسعه: جنبه‌هایی از کمیسیون‌های محلی سازمان ملل متحد تنها کتاب در بین این مجموعه‌هاست که منتشر شده است؛ این کتاب همچنین بیشترین سطح گرایش نهادی را در بین این مجموعه‌ها داراست. این مجموعه از مباحث الگوهای مشترک بین جهانی شدن و منطقه‌گرایی در حوزه اقتصادی و بازتاب نهادی آن در سیستم سازمان ملل متحد از طریق پنج کمیسیون اقتصادی منطقه‌ای نهایت استفاده را کرده و به نتایج خوبی دست یافته است. برخی از فصل‌ها را دبیران اجرایی سابق این سازمان‌ها نوشته‌اند: کمیسیون

¹ The establishment of the Expanded Programme of Technical Assistance

² The International Development Association

³ World Food Programme



مطرح کردن پیوند بین امنیت و توسعه در این پروژه

امنیت مفهومی مورد اختلاف است. تمرکز سنتی بر روی دولت از بین نرفته است اما بحث در خصوص امنیت گسترش یافته است. امنیت انسانی به عنوان یک مفهوم خاص در دهه ۱۹۹۰ بوجود آمد. کتاب امنیت انسانی و سازمان ملل متحد: تاریخی انتقادی که توسط نیل مک فارلن و یوئن فونگ خونگ، اساتید دانشگاه آکسفورد، نوشته شده است بحث را درباره امنیت انسانی بصورت مبحثی تاریخی و بطور گسترده در مورد رابطه در حال تحول بین فرد، دولت و جامعه بین الملل مطرح می سازد همانگونه که این امر به عکس العمل در قبال تهدیدات پیش روی امنیت فردی مربوط است. این کتاب بر نقش سازمان ملل متحد در این تحول متمرکز بوده است. امنیت انسانی به عنوان ایده ای نوظهور چهار جنبه اساسی داشت. اولین جنبه، تأکید بر نقش فرد به عنوان مرجع نهایی امنیت بود. جنبه - ی دوم، توسعه مفهوم حقوق افرادی است که قبلاً مورد کم لطفی واقع شده بودند (زنان) و تا حد زیادی مورد غفلت قرار گرفته بودند (کودکان، افراد تبعید شده در داخل کشور). جنبه سوم مربوط به توسعه و مفهوم سازی تهدیدات است که با جوانب اقتصادی، بهداشتی و محیطی امنیت انجام می پذیرد. این مسئله با باز مفهوم سازی توسعه مرتبط است که توجهات را از اقتصاد کلان به سمت فرد سوق می - دهد. دو جنبه اول در بین طرفداران امنیت انسانی موافقان بسیار زیادی دارد. روی جنبه سوم اختلاف زیاد است. گرچه

توسعه، افزایش و اجرای ایده هایی داشته است که منابع مختلف خارجی آنها را بوجود آورده اند. ایده ها به طور مشخص در شکل گیری اولیه دفتر آمار سازمان ملل متحد (UNSO)^۱ نقش بارزی ایفا کرده اند که امروزه بعنوان بخش آمار سازمان ملل متحد (UNSD)^۲ شناخته می شود. کتاب زنان، توسعه و سازمان ملل متحد: شصت سال تلاش برای برابری و عدالت که توسط دواکی جین، مدرس اسبق رشته اقتصاد در دانشگاه دهلی، نوشته شده است که مسئله حقوق زنان و توسعه و آگاهی از برابری جنسیتی در توسعه را مطرح می کند. همانطوری که قبلاً اشاره شد این تنها کتابی است که نه تنها با مطرح کردن دیدگاه در خصوص زنان بلکه با معرفی دیدگاه های مربوط به جنوب جهانی سعی دارد به امور دیگری بپردازد. بدین ترتیب نویسنده همچنین جایگاه قدرت اندیشه را زیر سوال می برد؛ چیزی که در اکثر اوقات پروژه از آن چشم پوشی کرده است.

کتاب سازمان ملل متحد و شرکتهای فراملیتی: از مرانامه تا پیمان جهانی که توسط تقی ثقفی نژاد، استاد دانشگاه بین المللی تگزاس در رشته ی تجارت بین الملل، و با همکاری جان دانیگ نوشته شده است به ارتباط شرکت های فراملیتی با سازمان ملل متحد می پردازد. تشکیل گروهی از اشخاص برجسته در سال ۱۹۷۳ باعث بهبود روابط بین سازمان ملل متحد و شرکتهای فراملیتی شد که با تأسیس کمیسیون و مرکزی در خصوص شرکتهای فراملیتی همراه شد.

¹ UN Statistical Office

² UN Statistical Division

اصولی که در کتاب حقوق بشر در سازمان ملل متحد: تاریخ سیاسی عدالت جهانی توجه خاصی بدان صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

UNIHHP پروژه جالب توجهی برای درک صحیح نقش سازمان ملل متحد به عنوان موجودیتی مستقل و علت و معلول نشر ایده‌ها و اندیشه‌ها محسوب می‌شود. نتایج این پروژه تحقیقاتی چندرشته‌ای و گسترده، ترکیبی از چند عوامل است. این پروژه توجهات زیادی را به خود معطوف کرده است و عده زیادی از رهبران سازمان ملل متحد نیز آن را مطلوب دانسته‌اند که در این بین مورد موافقت کوفی عنان و بان کی مون نیز قرار گرفته است. این پروژه همچنین به پروژه‌های مشابهی در سازمان ملل متحد نیز منجر شده است. پروژه قرن سازمان بین‌المللی کار پس از نودمین سالگرد تأسیس این سازمان در سال ۲۰۰۹ کلید خورد. در این پروژه، بیشتر در راستای UNIHHP، به انجام مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های اصلی سازمان بین‌المللی کار، همکاران و ذینفعان پرداخته خواهد شد. دو مجموعه در حال حاضر منتشر شده است. روجرز و سایرین، خلاصه‌ای از ایده‌های بسیار مهمی را ارائه می‌دهند که در طول ۹۰ سال فعالیت سازمان بین‌المللی کار توسعه یافته‌اند: عدالت اجتماعی، حقوق بشر و حق انجام کار، کیفیت کار، حمایت اجتماعی، اشتغال و کاهش فقر، کار شایسته و جهانی شدن. تأکید خاصی بر ایده‌های اصلی سه‌گانه آن و سیستم استانداردهای اصلی کار در سازمان بین‌المللی کار وجود دارد. سازمان بین‌المللی کار گزارشی از زندگی و کار ادوارد جی

طرفداران امنیت انسانی قبول می‌کنند که عدم نیازمندی و عدم وجود ترس از حقوق بنیادین بشر هستند اما برخی‌ها بر حمایت از افراد در برابر خشونت تأکید می‌کنند در حالی که برخی دیگر در نظر به امنیت انسانی بر مسائل توسعه‌ای تأکید می‌کنند. اما نویسندگان مفهومی نسبتاً جزئی‌تر را ترجیح می‌دهند که بر حمایت از افراد در برابر تهدیدات ناشی از خشونت سازمان‌یافته تمرکز دارد.

برتراند رامچاران، که هم اکنون استاد مطالعات بین‌الملل در موسسه آموزش عالی ژنو و همچنین به مدت بیش از ۳۲ سال عضو دبیرخانه سازمان ملل متحد است، کتاب دیپلماسی در سازمان ملل متحد را به رشته تحریر درآورده است. ایده‌ای موسوم به دیپلماسی بازدارنده از زمانی که دگ همرسکیولد، دبیرکل وقت سازمان ملل، برای اولین بار آن را بیان کرد این سازمان را درگیر خود کرده است. موفقیت‌های متعددی بدست آمده است، نظیر بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲، زمانی که دیپلماسی بازدارنده توسط یونانت، دبیرکل وقت سازمان ملل، به حل منازعه‌ی هسته‌ای بین شوروی سابق و ایالات متحده کمک کرد. البته ناکامی‌هایی نیز در این مسیر وجود داشته است، برای مثال شکست در جلوگیری از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳. رامچاران ریشه‌ی این مفهوم را در کنسرت اروپا و ذکر آن در ماده ۹۹ منشور سازمان ملل متحد می‌داند. اجرای دیپلماسی بازدارنده توسط دبیرکل کار مطلوبی به نظر می‌رسد و در این مسئله دبیران کل سازمان ملل متحد برداشتی متفاوت از هم داشته‌اند. دو مجموعه‌ای که در بالا مورد بحث قرار گرفت نشان می‌دهد که با مسئله حمایت از حقوق بشر دارای پیوندهای مشترکی هستند، هنجار و



برای مطالعات بیشتر:

برای مطالعه‌ی بیشتر کتاب‌های بارنت و فینمور (۲۰۰۴)، بواس و مک نیل (۲۰۰۴)، امریج و سایرین (۲۰۰۱) و جولی و سایرین (۲۰۰۹) پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- 1- Abbot, K.W. and Snidal, D. (1998). Why states act through formal international organizations. *Journal of Conflict Resolution*. 42(1).
- 2- Amrith, s. and Sluga, G. (2008). New histories of the United nations. *Journal of World History*. 19(3).
- 3- Anderson, c. (2003). *Eyes off the Prize: The United Nations and the African American Struggle for Human Rights, 1944-1955*. Cambridge: Cambridge University press.
- 4- Barnett, M. and Finnemore, M. (1999). The politics, power and pathologies of international organizations. *International Organization*. 53(4).
- 5- Barnett, M. and Finnemore, M. (2004). *Rules for the World: International Organizations in Global Politics*. Ithaca, New York: cornell University press.
- 6- Bøås, m. and Mcneill, D. (eds) (2004). *Global Institutions and Development: Framing the World*. London: Routledge.
- 7- Checkel, J.T. (1999). Norms, institutions and national identity in contemporary Europe. *International Studies Quarterly*. 43(1).
- 8- Childers, e. and Urquhart, B. (1994). *Renewing the United Nations System*. Uppsala: dag hammarskjöld Foundation.
- 9- Chowdhry, G. (2007). Edward said and contrapuntal reading: implications for critical interventions in international relations. *Millennium: Journal of International Studies*. 36(1).
- 10- Emmerij, L., Jolly, R. and Weiss, T.G. (2001). *Ahead of the Curve? UN Ideas and Global Challenges*. Bloomington, in: Indiana University press.

فلان، که چهارمین دبیرکل سازمان بین‌المللی کار از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۸ بوده است. پروژه تاریخ یونسکو همزمان با شصتمین سال تأسیس این سازمان کار خود را آغاز کرد. هدف آن انجام پژوهش درخصوص تاریخ سازمان، به ویژه ایده‌های آن و مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است که یونسکو از زمان تأسیس‌اش در سال ۱۹۴۵ برای آنها تلاش کرده است. در سال‌های گذشته کنفرانس‌های متعددی در مورد این پروژه برگزار شده است. بنابراین خود UNIHP به اهداف مشابهی نظیر ایده‌ها و تفکراتی که مورد مطالعه قرار گرفتند دست یافته است: نمایندگان سازمان ملل متحد دوم و سوم که رفتار سازمان ملل متحد اول را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ذکر این نکته لازم است، همانگونه که در این بخش نیز گفته شد، اظهارنظرهای انتقادی ممکن است بیان شوند؛ و یا همانطوری که یکی از طرفداران این پروژه بیان می‌کند: «تبیین کلی نقش سازمان ملل متحد شاید تا حدودی بسیار مثبت، و کمی غیرانتقادی یا عادی به نظر برسد. و گاهی اوقات تحلیل‌ها منطبق با استراتژی تحقیقی که در انتشارات تنظیم می‌شوند به نتیجه نمی‌رسند». بنابراین نوعی ساختارشکنی پروژه، به منظور یافتن موضوعات و چارچوب‌هایی برای پژوهش‌های آینده، بسیار مطلوب بنظر می‌رسد. باتوجه به تجربیات گذشته، این پروژه را پژوهشگرانی که پژوهش گسترده‌ای بر تاریخ سازمان ملل متحد داشته‌اند نمی‌توانند نادیده بپندارند. این پروژه به چیز متفاوتی که در ابتدا مورد هدف بود دست یافته است. اکنون ما باید ببینیم که این سه سازمان ملل، برخی از پیام‌های مهم پروژه‌ی حاضر را دریافت خواهند کرد.



- 11- Finnemore, m. (1996). *National Interests in International Society*. Ithaca, New York: Cornell University press.
- 12- Goldstein, J. and Keohane, R.O (eds) (1993). *Ideas and Foreign Policy: Beliefs, Institutions and Political Change*. Ithaca, New York: Cornell University press.
- 13- Gopal, p. and Lazarus, n. (2006). Editorial. *New Formations*. 59(autumn).
- 14- Kaldor, m. (2003). *Global Civil Society: An Answer to War*. Cambridge: polity press.
- 15- Katzenstein, P.J. (1996a). *Introduction: alternative perspectives on national security, in The Culture of National Security*. Edited by p. Katzenstein. New York: Columbia University press.
- 16- Keck, M.E. and sikkink, K. (1998). *Activists beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*. ithaca, nY and London: cornell University press.
- 17- Kille, K.J. (2006). *From Manager to Visionary: The Secretary-General of the United Nations*. New York: palgrave macmillan.
- 18- Said, E.W. (1993). *Culture and Imperialism*. new York: Alfred Knopf.
- 19- Sherwood, m. (1996). There is no new deal for the blackman in san Francisco: African attempts to influence the founding conference of the United Nations, April-July, 1945. *The International Journal of African Historical Studies*. 29(1).
- 20- Sikkink, K. (1991). *Ideas and Institutions: Developmentalism in Argentina and Brazil*. Ithaca, New York: Cornell University press.
- 21- Waldman, m(2008). *Falling Short: Aid Effectiveness in Afghanistan*. London: Oxfam international. AcBAR Advocacy series.
- 22- Weiss, T.G. and Carayannis, T. (2001). Whither United nations economic and social ideas? *Global Social Policy*. 1(1).
- 23- Weiss, T.G., Carayannis, T. and Jolly, R. (2009). The 'third' United nations. *Global Governance*. 15(1).
- 24- Wendt, A. *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University press.